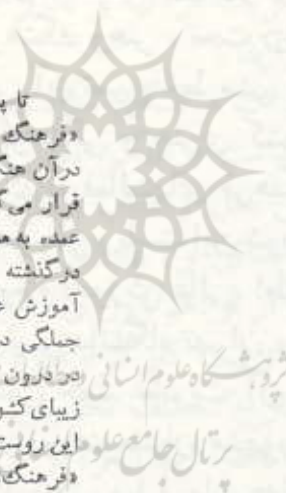


برنامه ریزی فرهنگی در ایران

چنگیز پهلوان

تا پیش از برنامه چهارم عمرانی کشور فصلی به نام فصل «فرهنگ و هنر» در برنامه‌های اول تا سوم وجود نداشت. در آن هنگام فعالیتهای هنری در چارچوب برنامه‌های آموزشی قرار می‌گرفت و مجموعاً «فرهنگ» نامیده می‌شد که به‌طور عمده به مسائل و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش می‌پرداخت. در گذشته فعالیتهای آموزش ابتدائی و متوسطه و همچنین آموزش عالی و نیز فعالیتهای هنری و ورزش و پیشاهنگی، جلگی در وزارتی به نام «وزارت فرهنگ» متمرکز بود. در دیون این وزارتخانه سازمانی، به نام سازمان هنرهای زیبای کشور، مسئول فعالیتهای هنری آن زمان بود. از این روست که ما در عملکرد برنامه سوم کشور فصلی به نام «فرهنگ» می‌بینیم که در واقع همان مسائل مربوط به فعالیتهای یاد شده را در بر می‌گیرد. بخشی هم در قسمت مربوط به آموزش برنامه سوم به مسائل کتاب و کتابخانه و چاپ برخی از کتب اختصاص داده شده است (عملکرد برنامه سوم صحنه ۱۱۴). در این قسمت، اصلاح کتابهای درسی مربوط به تعلیمات دبستانی - دبیرستانی و دانشگاهی و اقداماتی که در این زمینه صورت گرفته ذکر شده است. خرید تعدادی کتاب، همچنین چاپ کتاب در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی، توسعه کتابخانه‌های مدارس و تقویت کتابخانه‌های عمومی در شهرها از دیگر اقداماتی است که در مدت برنامه سوم صورت گرفته است.



پژوهشگاه علوم انسانی
رتال جامع علوم

در جریان برنامه سوم، یعنی در سال ۱۳۴۳، «وزارت فرهنگ» تقسیم شد و دو وزارتخانه به نامهای «وزارت فرهنگ و هنر» و «وزارت آموزش و پرورش» از آن پدید آمد. «در برنامه سوم از اعتبارات عمرانی و عمومی جمعاً مبلغی در حدود ۷۰۰ میلیون ریال جهت اجرای برنامه‌های فرهنگ و هنر منظور شده بود». (برنامه چهارم صفحه ۲۵۴). در طول برنامه سوم با همین اعتبارات (که بخشی از آن به منظور پرداخت حقوق کارمندان مصرف شده است) ساختمان مرکزی وزارت فرهنگ و هنر، تالار رودکی (اپرا) و موزه مردم شناسی تکمیل گردید، به کارگاههای هنری و هنرستان باله و سینمای سیار و فیلم، به تکمیل ارکستر سمفونیک و ساختن یک تئاتر توجه شد و به برگزاری جشنواره‌ها، نمایشگاهها و شرکت در نمایشگاههای بین‌المللی و همچنین برگزاری برنامه‌های هنری در خارج ایران اقدام گردید. پس از تأسیس وزارت فرهنگ و هنر سازمانهایی نظیر سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، سازمان ملی فولکلور ایران، هیأت امناء کتابخانه‌های عمومی کشور و شورای عالی فرهنگ و هنر به منظور بهتر اجرا شدن برنامه‌های مختلف فرهنگ و هنر تأسیس شدند. (برنامه چهارم ص ۲۵۳).

به این ترتیب مشاهده می‌شود که در طول برنامه سوم برنامه‌ریزان اهمیت خاصی برای فرهنگ قائل شده‌اند و به همین جهت وزارتی مخصوص این کار تأسیس گردید. لیکن در آغاز کار برنامه‌ریزان تصویری دقیق از هدفهای چنین وزارتخانه‌ای نداشتند. در طول زمان و به خصوص با ایجاد شورای عالی فرهنگ و هنر است که مسأله تدوین سیاست فرهنگی مطرح می‌گردد و بر اهمیت مسائل فرهنگی به معنای گسترده آن، و نه فقط فعالیت‌های هنری، تأکید می‌شود. در برنامه چهارم عمرانی کشور که از سال ۱۳۴۷ آغاز شد فرهنگ از جنبه تأثیر آن در «تحکیم مبانی وحدت ملی» مورد توجه است. هدف این است که «میراث فرهنگ و تمدن ایران به خوبی شناخته و شناسانده شود و در راه غنی ساختن مرجه بیشتر آن میراث عظیم ملی اهتمام لازم به عمل آید». (برنامه چهارم ص ۲۵۳). باز به نظر برنامه چهارم: فرهنگ و هنر نه فقط در تلطیف ذوق و تحریک بواطن و ایجاد علائق مشترک در میان گروه‌های مختلف اجتماعی مؤثر است بلکه فواید اقتصادی نیز بر آن مترتب است و در ازدیاد درآمد قشرهایی از مردم و ترویج مصنوعات اخلاقی و جلب جهانگردان خارجی و مآلاً در افزایش تولید

ملی اثرات نمایان دارد. »

گرچه بر این تعریف از فرهنگ انتقادهای بسیاری وارد است و اصولاً مبین یک سیاست فرهنگی جامع نیست با اینهمه در قسمتهای بعدی برنامه فرهنگ و هنر، در زمینه سیاستها و خط مشی‌های اجرایی، به نکاتی بر می‌خوریم که درخور توجه هستند و می‌توانند بخشهایی از یک سیاست فرهنگی جامع به شمار آیند. چون: «بررسی واحیای هنرهای ملی فراموش شده یا هنرهایی که به تدریج رو به زوال می‌روند؛ بررسی آداب و رسوم و هنرها و ادبیات عامیانه و گردآوری نمونه‌های هنرهای محلی و اشیاء و لوازم زندگی و جامه‌های ملی و محلی؛ حمایت از حقوق مؤلفان و آفرینندگان هنری؛ کمک به پیشرفت هنر سینما و عکاسی در ایران؛ ایجاد سرویس سیار سینمایی جهت مناطق دورافتاده؛ تقویت و توسعه کتابخانه‌های عمومی؛ مشارکت دادن مردم در حفظ آثار باستانی؛ تعمیر ساختمانهای تاریخی و انجام کاوشهای جدید به منظور کشف آثار باستانی و...» (برنامه چهارم ص ۲۵۴-۲۵۵).

سیاست فرهنگی

در ایران

در سال ۱۳۴۶ قانون شورای عالی فرهنگ و هنر به تصویب رسید و به دنبال آن نیز این شورا ایجاد شد. پیرو این قانون مهمترین وظیفه شورای عالی فرهنگ و هنر عبارت است از:

- ایجاد هماهنگی در طرحها و برنامه‌ها و اقدامات فرهنگی و هنری کشور.
- برقراری همکاری نزدیک میان تمام سازمانهایی که به فعالیتهای گوناگون فرهنگی و هنری می‌پردازند.
- توسط این شورا متنی به عنوان سیاست فرهنگی ایران در سال ۱۳۴۸ تهیه شد که مبین هدفهای فرهنگی دولت ایران است - فرض بر این بود که تمامی کوششهای فرهنگی با الهام از این سیاست انجام گیرد.
- بدینسان مدت زمانی کوتاه پس از شروع برنامه چهارم، ایران دارای یک سیاست فرهنگی اعلام شده و مکتوب بود. در بحث‌هایی که به منظور تنظیم و تدوین این سیاست صورت می‌گرفت عده‌ای از روشنفکران و استادان دانشگاه نیز شرکت

داشتند. در آن هنگام بحث دربارهٔ مسائل و مطالب مربوط به فرهنگ، به عنوان یک سیاست کلی جامعه، تازگی داشت و اصولاً گردهم‌آیی‌هایی که بدین منظور صورت گرفت در نوع خود تازه می‌نمود.

این سیاست به وسیلهٔ شورای عالی فرهنگ و هنر تدوین شد. این شورا خود مطابق قانون، با هدف ایجاد هماهنگی در طرحها و برنامه‌ها و اقدامات فرهنگی و هنری به وجود آمد که نمایگر اولاً پراکندگی اقدامات دولت در زمینهٔ فرهنگ و هنر بود، ثانیاً توجه به ضرورت هماهنگ کردن فعالیتها. به همین علت وزرای فرهنگ و هنر، آموزش و پرورش، تعاون و امور روستاها، اطلاعات و آموزش عالی، و نیز مدیرعامل سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران در این شورا عضویت یافتند. بدیهی است که این هماهنگی نه به سادگی به وجود آمد و نه می‌شد در اندک زمانی به آن دست یافت. اصولاً باید گفت که طرح مسألهٔ هماهنگ کردن اقدامات دولت در زمینهٔ فرهنگ، به علت گستردگی ابعاد فرهنگ و ناممکن بودن تجمع همهٔ حوزه‌های فرهنگی در یک سازمان است. آموزش، حوزه‌های مربوط به وسایل ارتباط جمعی، سیاست صنعتی کردن، تغییرات در روستاها و... همه با فرهنگ ارتباط می‌یابند و به همین لحاظ دولت به سوی اتخاذ سیاستی واحد در تمامی این زمینه‌ها گرایش پیدا می‌کند. از همین جاست که مسألهٔ تنظیم و تدوین یک سیاست فرهنگی پیش می‌آید.

درواقع همهٔ دولتها به نحوی، چه مکتوب چه غیر مکتوب، دارای سیاستی در زمینهٔ فرهنگ بوده‌اند؛ منتهی با این تفاوت که این سیاست جنبهٔ کلی داشته و بیشتر با آن جنبه‌هایی از زندگی اجتماعی سروکار داشته که با حوزهٔ قدرت و استحکام بخشیدن به آن ارتباط می‌یافته است. امروزه سیاست فرهنگی می‌خواهد نقش دولت را در زمینهٔ فرهنگ آگاهانه تنظیم کند و برداشتهٔ نفوذ آن نیز بیفزاید. کوشش برای تنظیم سیاست فرهنگی در ایران از فعالیت‌های بین‌المللی فرهنگی الهام می‌گرفت. هنر زمان با کوششهایی که یونسکو از سال ۱۹۶۷ به بعد به طور منظم در راه سیاست فرهنگی و مسائل دول عضو در این زمینه داشت، در ایران نیز که مسائل فرهنگ و هنر در وزارتخانهٔ خاصی تعقیب می‌شد - و از جملهٔ معدود کشورهای بود که به این خاطر وزارتخانهٔ مجزائی تشکیل داده بود - سعی در تنظیم متن سیاست فرهنگی به عمل آمد. در واقع یونسکو سعی می‌کرد کشورهای عضو را به داشتن سیاست مدون فرهنگی تشویق کند - که در ایران نیز چنین شد. همین متن و کوششهایی

از این گونه سرآغازی بودند برای دولت تا در سازمان دادن به فرهنگ رسالت بیشتری برای خود قائل شود.

سیاست فرهنگی ایران دارای یک مقدمه و هفت فصل است که در ۳۶ ماده منعکس شده است. عناوین این هفت فصل عبارتند از: هدف و اصول و مبانی سیاست فرهنگی، نگهداری و زنده کردن میراث فرهنگی، ایجاد تسهیلات برای ابداع هنری و پژوهش فرهنگی، آموزش، گسترش فرهنگ، فرهنگ ایرانی در رابطه با فرهنگهای دیگر، هماهنگی.

در فصل نخست که هدف و اصول و مبانی سیاست فرهنگی را دربردارد دربارهٔ هدف این سیاست چنین می‌خوانیم: «هدف کلی سیاست فرهنگی ارتقاء جامعهٔ ایرانی به مقامی است که افراد آن با شناخت تمدن و فرهنگ برارج ایران، در حفظ و گسترش آن بکوشند و با آگاهی از فرهنگهای دیگر جهان، خانوادهٔ بزرگ ایرانی را در مسیر به سوی زندگانی بهتر و کمال معنوی یاری کنند.» در همین فصل سیاست فرهنگی چهار اصل برای خود قائل شده که عبارتند از: ۱ - فرهنگ برای همه؛ ۲ - توجه به میراث فرهنگی؛ ۳ - فراهم آوردن بیشترین امکانات برای ابداع و نوآوری فکری و هنری؛ ۴ - شناساندن فرهنگ ایران به جهانیان و آگاهی از مظاهر فرهنگهای دیگر جهان. در همین قسمت می‌بینیم که یکی از مهمترین نکات برای سیاست فرهنگی توجه به «اصالت فرهنگی» است. به نظر سیاست فرهنگی «توجه به اصالت فرهنگی عامل مهم تقویت مبانی وحدت ملی است... و وحدت ملی اگر بر مبنای خود آگاهی از میراث فرهنگی استوار باشد استحکام بیشتری خواهد یافت.» سیاست فرهنگی ایران از این اصل حرکت می‌کند که چون «رفاه مادی» افزایش و «آموزش» گسترش یافته و «اصول برابری» تعمیم پیدا کرده است باید «بر خودداری از مظاهر گرافقدر فرهنگ ملی و فرهنگهای دیگر جهان همگانی شود و با توجه به تحولات اقتصادی و آموزشی در ایران، امکانات و وسایل بهره‌وری از فرهنگ که در گذشته در اختیار گروهی خاص بوده است از این پس در دسترس همهٔ افراد ملت قرار گیرد».

نکات اصلی سیاست فرهنگی را می‌توان به این شرح خلاصه کرد: اولاً - تجدید عظمت فرهنگی ایران. ثانیاً - راه یافتن تمدن صنعتی به ایران، زنده نگهداشتن موارث فرهنگی ایران را ایجاد می‌کند و این موارث به خاطر تقویت مبانی وحدت ملی دارای اهمیت هستند. ثالثاً - با عمومی شدن آموزش و تعمیم عدالت و افزایش رفاه مادی؛

فرهنگ نیز لازم است همگانی شود. در قسمت‌های دیگر سیاست فرهنگی به پیشنهادهایی در زمینه رفاه هنرمند گمانه‌نگی فعالیت‌های سازمان‌های مختلف و . . . برمی‌خوریم که شامل سیاست‌های اجرایی هستند.

از سوی دیگری می‌توان گفت که در سیاست فرهنگی اصولاً رض بر این بوده که دولت موظف است تا همه امور مربوط به فرهنگ را انجام دهد و در همه زمینه‌های فرهنگی و هنری دخالت داشته باشد. مسائل مهمی چون عدم دخالت دولت در محتوای فرهنگ، یا ضرورت وجود فضای لازم فرهنگی و هنری برای آفرینندگان، اهمیت مشارکت مردم در مسائل فرهنگی، یا این که تا چه حد می‌توان در امور فرهنگی برنامه‌ریزی پرداخت و به عبارت دیگر برنامه‌ریزی تا کجا باید پیش برود در این متن جایی نیافته‌اند.

در جلسات بحث و گفتگو برای تهیه سیاست فرهنگی همچنین در خود متن سیاست فرهنگی تکیه خاص بر میراث فرهنگی ایران شده است. در همین زمان و در بحث‌هایی که قبل از برنامه پنجم عمرانی کشور در مورد میراث فرهنگی در محافل روشنفکری ایران صورت گرفت دیده شد که در این محافل نوعی خودآگاهی فرهنگی شکل می‌گیرد و رشد می‌یابد. این خودآگاهی از سونی با بازگشت به گذشته و از سوی دیگر با طرد ارزش‌های غرب توأم بود. نفوذ فرهنگ غرب، به علل مختلف، در جامعه ایران و برخورد با این فرهنگ موجب اصلی این بحث‌ها بوده و هنوز هم هست.

مسأله‌ای که در اینجا مطرح می‌شود این است که اولاً میراث فرهنگی چیست و ثانیاً چه عناصری از آن را باید احیاء کرد. به طور کلی همگان بر این نظر بودند که نمی‌توان همه عناصر میراث فرهنگی ایران را احیاء کرد، بلکه باید در میان آنها به زنده نگاه داشتن عناصر زنده میراث بسنده کرد. اما این که چه عناصری را باید زنده نگاه داشت و چه عناصری را رها کرد مسأله‌ای است که به سادگی نمی‌توان بدان پاسخ گفت و امری نیست که برنامه‌ریزی فرهنگی بتواند راحتی راه حلی صریح برای آن بیابد. به هر حال این بحث‌ها موجب شد که در برنامه‌ریزی و اقدامات فرهنگی مسأله میراث توجه بسیاری بشود و همان برخورد سیاست فرهنگی به میراث تکرار گردد و «میراث فرهنگی» به عنوان نام مهم تقویت مبانی وحدت ملی» نگریسته شود.

یکی دیگر از علل توجه به برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران که قبلاً در سیاست فرهنگی به آن توجهی نشده بود، نقش فرهنگ در پیشبرد برنامه‌های توسعه ملی است. همه این مسائل و به ویژه بحرانی‌هایی که در سال‌های ۱۹۶۷ به بعد در

اروپا رخ داد زمینه‌های فکری تدوین برنامه پنجم فرهنگ را فراهم ساختند. البته باید توجه داشت که موضوع انطباق عملی و انعکاس مشخص این زمینه‌های فکری مسئله جداگانه‌ای است.

برنامه پنجم

در مقدمه فصل فرهنگ برنامه پنجم چنین می‌خوانیم: «فرهنگ مانند دیگر نیازهای مادی و فکری از نیازمندی‌های اساسی انسان است. . . . و حق فرهنگ از حقوق اجتماعی انسانست.»

مهمترین نکات مقدمه فصل فرهنگ برنامه پنجم عبارتند از:

۱ - تجارب جوامع پیشرفته و در حال پیشرفت نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی و اجتماعی به تأمین رفاه مادی افراد جامعه منحصر و محدود نمی‌شود و حاصل تربیت صنعتی محض، زوال معنویت و حیات عاطفی انسان و تنزل شخصیت آدمی به ابزار و وسایلی است که خود آفریده است.

۲ - کاربرد صحیح و توأم با مسئولیت ابزار کار . . . جز با داشتن هدف و ایمان و اعتقاد به کار که آن نیز از تعالیم ارزش‌های فرهنگی جامعه سرچشمه می‌گیرد، امکان‌پذیر نیست.

۳ - اکنون که جوامع پیشرفته گرفتار بحرانی‌های فرهنگی و اخلاقی به چاره‌جویی برخاسته‌اند . . . می‌توانیم در تقویت و تحکیم مبانی فرهنگی و اخلاقی اجتماع بکوشیم و هویت ملی خویش را که در فرهنگ ملی متجلی است بازشناسیم و نیرو بخشیم.

۴ - فرهنگ چیزی تجملی و خاص گروه برگزیدگان یا مناطق ممتاز نیست. . . . یکی از ابعاد توسعه عمومی و از عوامل اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی است و هدف آن بهبود کیفیت زندگی است. اما گسترش فرهنگ نباید به زیان بهبود کیفی فرهنگ باشد.

۵ - عدم تطبیق فرهنگ‌های جدید با فرهنگ‌های سنتی ممکن است به صورت مانعی در راه نیل به هدف‌های توسعه درآید، از این رو هدف سیاست فرهنگی ایران ایجاد تناسب و تطابق و تعادلی است میان فرهنگ‌های سنتی و فرهنگ‌های جدید که به همراه صنعت وارد کشور می‌شوند. در برنامه‌ریزی فرهنگی باید، به ویژه، به جوانان توجه کرد.

۶ - برنامه‌های فرهنگی باید در مجموعه برنامه‌های

امروز در ایران مسأله ملی به طرق مختلف مطرح شده است. در اینجا قصد پرداختن به این موضوع فوق‌العاده جالب را نداریم. مهم این است که در برنامه پنجم، فرهنگ نیز می‌خواهد در این زمینه سهمی داشته باشد و «آگاهی ملی» را، به هر طریق که می‌تواند، تقویت کند.

در برخورد به میراث فرهنگی اصطلاح دیگری نیز در برنامه پنجم به چشم می‌خورد که بی‌تردید جالب است و آن «هویت ملی» است. «توجه به این میراث باید چنان باشد که مردم ایران بتوانند درجهانی که به سرعت دگرگون می‌شود و تحول می‌یابد در راه حفظ اصالت فرهنگی و هویت ملی خود به صورت تکیه‌گاه مستحکمی از آن بهره‌مند گردند. . . .» (در اینجا باید اضافه کرد که در این قسمت از برنامه سعی شده است چیزهای مختلفی در یک جا جمع شود).

بدون شک در این جهان متحول و در شرایطی که کشورهای واپس‌مانده در تلاش تحصیل ابزار پیشرفت هستند و به‌طور عمده می‌کشند، یا استفاده از الگوهای غربی، خود را به سرعت از ورطه واپس‌ماندگی برهانند، هویت ملی امری مهم است. به ویژه کشورهایی که تاریخ و فرهنگی غنی پست سر دارند باید توجه کنند که در راه پیشرفت و کمک گرفتن از الگوهای غربی از تاریخ و فرهنگ خویش نگسلند.

تسلیم شدن به شیوه‌های غریبومی، حتی در رفتار و زندگی، بدون تردید بد جامعه‌ای بی‌چهره، و می‌خواهم سریع بگویم، حتی ناموفق در به کار بردن شیوه‌های جدید منتهی خواهد شد. به‌رحال نباید فراموش کرد که جنبشهای فکری و متفکران و روشنفکران یک سرزمین در این راه نقش عمده‌ای بر عهده دارند. بخش عمومی اگر بخواهد شیوه‌های خشک و از پیش ساخته‌ای را اشاعه دهد، موانعی در راه رشد آژادانه افکار و جنبش‌های فکری به وجود خواهد آورد. اقداماتی که در این زمینه در برنامه پنجم پیش‌بینی شده‌اند به‌طور مشخص عبارتند از: «پژوهش درباره عناصر میراث فرهنگی ایران: زبان، ادب، اندیشه، فرهنگ عامه، هنرهای ملی، مجموعه آثار مکتوب، اشیاء، بناها و مکانهای تاریخی، برای شناخت و معرفی اصالت فرهنگی که عامل مهم تقویت و میانی وحدت ملی است.»

در مورد جنبه دیگر پژوهش یعنی «شناخت نیازهای فرهنگی به منظور برآوردن تقاضاهای فرهنگی مردم» باید گفت که برنامه در اینجا اشاره مبهم و نادقیقی دارد و معلوم نمی‌کند که منظور از نیاز و برآورد تقاضای فرهنگی چیست

توسعه ملی جایی مناسب خود داشته باشند و بر عهده بخش عمومی است که . . . در زمینه فرهنگ نقش تقویت سرمایه‌گذاری و مساعدت و سازمان‌دهی را بازی کند. برنامه فرهنگ و هنر در پنج بند به شرح زیر تنظیم گردیده است:

الف - پژوهش فرهنگی و نگهداری و زنده کردن میراث ارزنده فرهنگی.

ب - آموزش.

پ - گسترش فرهنگ.

ت - ایجاد تسهیلات برای آفرینش هنری و ادبی.

ث - فرهنگ ایرانی در رابطه با فرهنگهای دیگر.

برنامه‌های فوق همگی دارای سه بُعد پژوهش، آموزش و گسترش هستند.

محتوای

برنامه‌های

پنجگانه

۱ - پژوهش فرهنگی و زنده کردن میراث فرهنگی

همانطور که قبلاً گفته شده در تنظیم فصل فرهنگ برنامه پنجم عمرانی کشور سعی شده است توجه خاصی به میراث فرهنگی شود. زمینه‌های این کار را در فصول پیش به اختصار بر شمرديم.

در برنامه پنجم، پژوهشهای فرهنگی یا زنده کردن میراث فرهنگی در یک جا آمده‌اند: «پژوهش و کوشش در نگهداری میراث فرهنگی گرانقدر ایران و زنده نگاه داشتن توجه به این میراث باید چنان باشد که مردم ایران بتوانند درجهانی که به سرعت دگرگون می‌شود و تحول می‌یابد در راه حفظ اصالت فرهنگی و هویت ملی خود به صورت تکیه‌گاه مستحکمی از آن بهره‌مند گردند و دانشمندان و هنرمندان از مایه‌های ارزنده آن الهام گیرند.» یک جنبه دیگر پژوهش نیز در همین جا مورد نظر است و آن «شناخت نیازهای فرهنگی جامعه در مناطق مختلف کشور است تا «تقاضاهای فرهنگی» مردم با توجه به نیازهای واقعی برآورده شود.»

در این قسمت به رابطه کمی و کیفی در امر آموزش توجه شده است. توسعه آموزشگاهها بدون شك باید توأم با افزایش کیفیت کار آنها باشد. چه فایده‌ای دارند فارغ‌التحصیلانی که نتوان از آنها در امر آموزش به دیگران استفاده کرد؟ توسعه آموزش باید با تربیت کادر آموزشی ورزیده و توانا همراه باشد. این رابطه باید به درستی فهمیده شود - به ویژه در امر آموزش هنر. برنامه به این نکات توجه کرده است. آموزش از نظر برنامه پنجم به چند بخش تقسیم شده که عبارتند از: تربیت معلم و هنرجو از یک طرف و آموزش

عمومی هنر از طرف دیگر، آموزش سمعی و بصری، استفاده از موزه‌ها به عنوان ابزار آموزشی، انواع کتابخانه‌ها به عنوان ابزار آموزشی. در زیر وضع امکانات آموزشی را به تفکیک بر مبنای آمار سال تحصیلی ۵۲ - ۱۳۵۱ نشان خواهیم داد. از آنجا که مهمترین و بیشترین مراکز آموزش هنر متعلق به وزارت فرهنگ و هنر است نخست به وضع و امکانات آموزشی این سازمان می‌پردازیم. در دو جدول زیر وضع مؤسسات آموزشی را بر اساس تعداد شاگرد و معلم در تهران و شهرستانها می‌بینیم.

جدول ۱ - مراکز آموزش هنر در تهران (در سطح ابتدائی - راهنمایی - متوسطه) به تفکیک تعداد هنرجو و هنرآموز در سال تحصیلی ۵۲ - ۱۳۵۱

شرح	هنرجو		هنرآموز	
	زن	مرد	جمع	جمع
هنرستان موسیقی ملی	۸۵	۷۱	۱۵۶	۸
هنرستان موسیقی	۱۳۳	۸۴	۲۰۷	۶
هنرستان هنرهای زیبای پسران	-	۶۶	۶۶	۶
هنرستان هنرهای زیبای دختران (پهزان)	۶۵	-	۶۵	۴
هنرستان رقص‌های ملی و محلی	۲	۴	۶	۳
جمع	۲۷۵	۲۲۵	۵۰۰	۲۷

جدول ۲ - مراکز آموزش هنر در شهرستانها (در سطح ابتدائی - راهنمایی - متوسطه)

شرح	هنرجو	
	زن	مرد
هنرستان هنرهای زیبای میرک تبریز	۱۳	۱۲
هنرستان موسیقی (تبریز)	۱	۲۰
هنرستان هنرهای زیبای اصفهان	-	-
جمع	۱۴	۳۲

در جدول شماره ۳ می بینیم که چه تعداد از هنرجویان و هنرآموزان به شهر تهران وجه تعداد از آنها به شهرستانهای دیگر تعلق دارند .

جدول ۳ - تعداد هنرجویان و هنرآموزان در مراکز آموزش هنر (در سطح ابتدائی - راهنمایی - متوسطه) به تفکیک تهران و شهرستانها در سال تحصیلی ۵۲ - ۱۳۵۱

شرح	هنر جو		هنر آموز		جمع
	زن	مرد	زن	مرد	
تهران	۲۷۵	۲۲۵	۳۲	۲۷	۵۹
سایر شهرستانها	۱۴	۳۲	-	-	*
جمع	۲۸۹	۲۵۷	۳۲	۲۷	۵۹

از مجموع مؤسسات مشابه جلوتر است .

حال باید دید که با چنین امکاناتی مؤسسات آموزش عالی می توانند پاسخگوی نیازهای مدارس باشند یا نه . متأسفانه باید گفت که امکانات پذیرش دانشجو و تعداد فارغ التحصیلان آنقدر اندک است که به هیچوجه در طول برنامه پنجم نمی توان به نیازهای مختلف در این زمینه پاسخ داد . اگر تعداد ساعات درس هنری مدارس را فقط دو ساعت بدانیم و فرض کنیم که به طور متوسط هر معلم در هفته بیست و دو ساعت تدریس کند و باز فرض کنیم که هر کلاس در ایران به طور متوسط پنجاه شاگرد داشته باشد ، با توجه به برآورد سازمان برنامه ، تعداد دانش آموزان در پایان برنامه پنجم و نیاز به معلم هنری مطابق جدول شماره ۶ خواهد بود :

همانطور که از این جدول برمی آید در واقع تمرکز اصلی در تهران است و شهرستانهای ایران به هیچوجه قابل مقایسه با تهران نیستند . مراکز آموزش هنر در سطح عالی تنها در تهران وجود دارد که تعداد دانشجویان و امکانات پذیرش و همچنین فارغ التحصیلان ، به تفکیک درجه تحصیلی رشته و مؤسسه آموزشی ، در جدول ۴ در سال تحصیلی ۵۲-۵۱ دیده می شود . کلیه مؤسسات وابسته به وزارت فرهنگ و هنر هستند .

چنانکه از جدول شماره ۴ برمی آید دانشکده های زیبای تهران با این که از نظر تعداد رشته ها ، امکانات مشابه مؤسسات وابسته به وزارت فرهنگ و هنر را ندارد اما از نظر تعداد دانشجو و ظرفیت پذیرش و همچنین تعداد فارغ التحصیل

* به تفکیک زن و مرد در دست نیست .

** تعداد هنرآموزان شهرستانها در دست نیست .

دوره و نام مرکز	رشته	تعداد دانشجو	تعداد پذیرفته شدگان	تعداد فارغ التحصیلان	جمع	جمع	جمع	جمع
فوق دیپلم هنرهای دراماتیک	نمایش عروسکی	۶	۶	-	۱۰	۴	۶	۴
	نمایش عروسکی	۳	۳	-	۷	۴	۳	۴
	ادبیات دراماتیک و نمایشنامه نویسی	۷۵	۶	۳	۱۱۶	۱	۷۵	۴۱
هنرهای دراماتیک	سیمنا - تلویزیون - رادیو	۸۵	۱۳	۱۴	۹۵	۱	۸۵	۱۰
	هنرپیشگی و کارگردانی	۵۰	۳	۳	۷۰	۳	۵۰	۲۰
	نگو سازی و صحنه آرایی	۱۸	۶	۲	۵۳	۶	۱۸	۳۵
	عمومی	۱۰۰	-	-	۲۰۶	-	۱۰۰	۱۰۶
	طراحی و نقش چاپ و پارچه	۳	-	-	۳	-	۳	۳
هنرهای تزئینی	هنر و تزئینات داخلی	۳۷	-	۳۸	۵۳	۶	۳۷	۱۶
	هنرهای چاپی و نگارش	۶	-	۳	۱۲	-	۶	۱۰
	آواز	۱	-	-	۱	-	۱	-
موسیقی	ساز تخصصی	۳۲	۳	۱	۵۵	۷	۳۲	۱۳
	کمپوزسیون	۱	-	-	۱	-	۱	-
	موسیقی نظام	۱۲	-	-	۱۲	-	۱۲	-
موسیقی ملی	ساز و آهنگ سازی	۱۱	۲	-	۱۸	۶	۱۱	۷
فوق لیسانس هنرهای تزئینی	هنر و تزئینات داخلی	۱۳	-	-	۱۷	-	۱۳	۴
جمع		۴۷۳	۷۳	۳۱	۷۲۳	۵۸	۴۵۰	۴۷۳

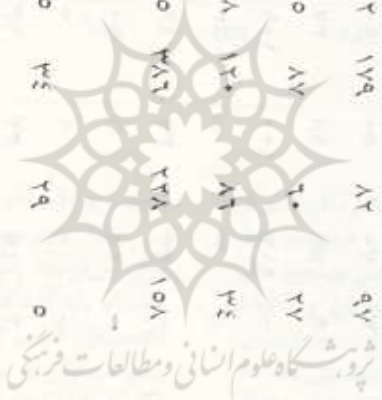


* تنها در مورد تعداد کل پذیرفته شدگان این دانشکده به تفکیک زن و مرد رقمی بدست آوردم : زنان ۳۱ و مردان ۳۰ تقریباً بدانند که در جمع کل ستون پذیرفته شدگان محسوب شده اند.

یکی دیگر از مراکز مهم آموزش هنر در سطح عالی دانشگاه هنرهای زیبای دانشگاه تهران است. در جدول پنج تعداد دانشجویان و

پذیرفته شدگان و فارغ التحصیلان این دانشگاه را با تفکیک درجه تحصیلی و رشته در سال تحصیلی ۵۲-۵۱ می بینیم.

رشته	دوره	تعداد دانشجویان			تعداد پذیرفته شدگان			تعداد فارغ التحصیلان		
		مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع
هنرهای تجسمی	۹۷	۸۲	۱۷۹	۲۲	۱۹	۴۱	۱۳	۱۷	۳۰	
موسیقی	۲۷	۶۰	۸۷	۵	۲۲	۲۷	۳	۱۴	۱۷	
هنرهای نمایشی	۳۴	۸۶	۱۲۰	۸	۲۳	۳۱	۱	۲۸	۲۹	
جمع دوره لیسانس	۱۵۸	۲۳۸	۳۸۶	۳۵	۶۴	۹۹	۱۷	۵۱	۶۸	
شهرسازی و برنامه ریزی	۵	۲۹	۳۴	۵	۲۹	۳۴	-	-	-	
منطقه‌ای	۹۶	۴۶۳	۵۶۲	۱۲	۵۵	۶۷	۱۱	۵۱	۶۲	
معماری	۱۰۱	۴۹۲	۵۹۳	۱۷	۸۴	۱۰۱	۱۱	۵۱	۶۲	
جمع فوق لیسانس	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
دکترای	-	۱	۱	-	-	-	-	۱	۱	
شهرسازی و برنامه ریزی	-	۷۲۱	۷۲۱	-	۱۴۸	۱۴۸	۲۸	۱۱۱	۱۳۹	
منطقه‌ای	-	۲۵۹	۲۵۹	-	۵۲	۵۸۰	۲۸	۱۱۱	۱۳۹	
جمع کل	-	۲۵۹	۲۵۹	-	۵۲	۵۸۰	۲۸	۱۱۱	۱۳۹	



رویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی
 شهرسازی و برنامه ریزی

جدول ۱۶

دوره	تعداد دانش آموز	تعداد ساعات درس هنری	تعداد کلاس	تعداد معلم مورد نیاز
ابتدائی	۵۰۰۰۰۰۰	۲	۱۰۰۰۰۰	۹۰۹۱
راهنمائی	۱۵۴۴۰۰۰	۲	۳۰۸۸۰	۲۸۰۷
متوسطه	۹۹۵۰۰۰	۲	۱۹۹۰۰	۱۸۰۹
جمع	۷۵۳۹۰۰۰	۶	۱۵۰۷۸۰	۱۳۷۰۷

آموزش از طریق وسایل سمعی و بصری

در طول برنامه چهارم ۸۵ واحد سیار سینمائی برای نمایش فیلم و توزیع کتاب در «روستاها ، شهرها ، مدارس ، کارخانهها و مراکز مختلف آموزشی» فعالیت می کرده اند. در طول برنامه پنجم قرار است ۲۳ مرکز سمعی و بصری موجود تجهیز شود و ۳۴ مرکز جدید جمعاً با ۳۲۰ واحد سیار ایجاد گردد. از این گذشته در زمینه آموزش سمعی و بصری قرار است ۳۰ واحد باشگاه وابسته ایجاد شود ، بیست مرکز عکاسی نیز در بیست مرکز سمعی و بصری تأسیس گردد ؛ علاوه بر ایجاد چند امکان فنی دیگر تأمین راهنمایان فرهنگی برای مراکز سمعی و بصری و تهیه و نمایش فیلمهای آموزشی از برنامه های آموزش سمعی و بصری است .

موزه

در هفتم برنامه چهارم ۷ موزه تازه در تهران و شهرستانها ایجاد شد . مطابق آمار ، در سال ۱۳۵۱ تعداد موزه ها ، به تشکیک تهران و شهرستانها و تعداد بازدیدکنندگان آنها ، چنین بوده است :

جدول ۷

محل	تعداد موزه	تعداد بازدیدکننده
تهران	۱۰	۴۸۴۵۲۵
شهرستانها	۲۰	۱۲۴۵۸۶۱
جمع	۳۰	۱۷۳۰۳۸۶

تازه اگر نیاز به مرئی و آموزش در صنایع دستی و نیازهای سازمانهای دولتی را به برخی از رشته های هنری مؤسسات آموزش هنری در سطح عالی نیز حساب کنیم آنگاه فاصله زیاد میان تولید و نیاز به مصرف آشکار خواهد شد. برای آموزش عمومی هنر تعدادی مراکز آزاد در تهران و شهرستانها وجود دارد. در تهران علاوه بر همه امکاناتی که در این زمینه یافت می شود سه هنرستان در زمینه نقاشی ، موسیقی ملی و باله و یک کنسرواتوار موسیقی وجود دارد. در شهرستانها اغلب مراکز برای آموزش موسیقی و تئاتر یافت می شود ، برخی نیز کلاس نقاشی ، خوشنویسی و یکی نیز کلاس هنرهای دراماتیک ، دارند. در مجموع ، این امکانات در بیست و یک شهر در ایران وجود دارد. بر روی هم این کلاسها در زمینه موسیقی ۲۸۰۲ ، در زمینه تئاتر ۱۰۸۲ ، در زمینه نقاشی ۸۸ ، در زمینه خوشنویسی ۴۳ و در زمینه هنرهای دراماتیک ۳۴ هنرجو داشته اند. در تهران تعداد قابل توجهی کلاس خصوصی نیز برای آموزش نقاشی ، موسیقی ، باله ، رقص و . . . وجود دارد .

* متأسفانه رقم دقیقی درباره تعداد فعلی معلمان آموزش هنر مدارس ابتدائی تا متوسطه ایران در دست نداریم ولی به طور کلی می دانیم که تعداد معلمان به هیچ وجه پاسخگوی نیازهای مدارس به معلمان هنری نیست و وزارت آموزش و پرورش به کمک وزارت فرهنگ و هنر دوره های مخصوص برای تربیت معلمان فعلی مدارس ترتیب داده است تا از اینان بتوان برای تدریس دروس هنری نیز استفاده کرد .

۳ - گسترش فرهنگ

چنانکه ملاحظه می‌شود تهران از نظر تعداد موزه‌ها نیز مقام مهمی دارد. یک سوم موزه‌های کشور در تهران قرار گرفته‌اند.

کتابخانه‌ها

با آن‌که مهمترین کتابخانه‌های ایران از نظر تعداد کتاب و تجهیزات در تهران هستند، ولی شهرستانها نیز دارای تعداد قابل توجهی کتابخانه عمومی‌اند. در جدول ۸ تعداد کتابخانه‌های تهران و شهرستانها را به تفکیک نوع کتابخانه، تعداد کتاب، اعضا و همچنین مراجعه‌کنندگان و تعداد کتب امانت داده شده، می‌بینیم.

در قسمت گسترش فرهنگ، برنامه به دو نکته اصلی توجه داده است:

الف - به «مناطق که گسترش فعالیتهای فرهنگی در آنها خامه از نظر حفظ یکپارچگی و تمامیت کشور تأیید هویت و همبستگی ملی و پایداری آن حائز اهمیت حیاتی است (ص ۷۴۶)».

ب - به «جوانان و جوامع روستائی و مراکز کارگری (صنعتی و کشاورزی)».

قسمت الف با همان هدفهای ذکر شده در قسمت مربوط به میراث فرهنگی ارتباط نزدیک دارد و در اینجا جنبه سیاسی

جدول ۸

نوع کتابخانه	محل کتابخانه	تعداد	جمع کتب	تعداد اعضا	تعداد مراجعین	کتب امانت داده شده
عمومی	تهران	۱۸	۱۶۰۶۱۷۱	-	۴۰۷۹۸۳۱	-
وابسته به هیئت امنای وزارت فرهنگ و هنر	شهرستان‌ها	۲۸۳	-	۹۰۱۹۲	۲۰۴۳۰۲۴	۸۱۸۷۵۰
کودک	تهران	۲۱	-	-	-	-
پرورش فکری کودکان و نوجوانان	شهرستان‌ها	۵۶	-	۱۳۸۱۶۷	۳۷۵۰۹۳۲	۱۴۴۰۶۵۸
کتابخانه ملی	تهران	۱	۱۰۰۰۰۰	-	۴۱۴۷	-
سیار کودکان	تهران	۳	-	-	۲۳۳۰۶۵	۷۴۳۵۲
جمع	شهرستان‌ها	۱۸	-	-	۱۲۰۰۰۰	-

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال خلق علوم انسانی

در برنامه پنجم قرار است ۲۰۰ کتابخانه عمومی در شهرستانها ایجاد شود. از این تعداد ۵۰ کتابخانه عمومی درجه یک خواهند بود هر یک با گنجایش ۷۰ نفر و ۱۴۰ هزار جلد کتاب! ۱۰۰ کتابخانه عمومی درجه ۲ هر یک با گنجایش ۳۰ نفر و ۵۰ هزار جلد کتاب. ضمناً مطابق برنامه قرار است ۵۰۰ کتابخانه درخانه‌های فرهنگ روستائی تأسیس شوند و هر یک از واحدهای سیار سمعی و بصری به دست کم ۵۰۰ جلد کتاب تجهیز گردد.

آن آشکارا ذکر شده است. قسمت ب زائیده توجه برنامه - ریزان به مناطق روستائی و انتقال بسیاری از فعالیتها به روستاهاست. آنچه در مورد «جوانان» آمده مبهم است و بعد نیز هیچگونه توضیح دقیقی درباره آن داده نمی‌شود. در این قسمت بارها از روستاها یاد شده و تأکید شده که فرهنگ باید در روستاها، یعنی جایی که بیشترین مردم ایران سکنی دارند، حضور یابد. اگر به یاد آوریم که ایران بیش از پنجاه هزار روستا دارد، به مشکلات اجرای این هدف

بی خواهیم برد. وسایل و اعتباراتی که برای این منظور در نظر گرفته شده بسیار اندکند. این فقط جنبه فنی مسأله است. محتوای این «حضور» مسأله جداگانه‌ایست، اما به هر حال باید خطوط اساسی نظری (تئوریک) آن همانهایی باشد که قبلاً ذکر شده.

از نظر فعالیت، این بخش از برنامه شامل مسائل مربوط به فعالیتهای محتهای، امور سینمایی و نگارش است.

الف - فعالیتهای صحنه‌ای

در طول برنامه چهارم فعالیتهای عمده‌ای که در این زمینه انجام شد عبارت بود از موسیقی سفونیک با ۲۵۳ برنامه، اپرا با ۱۱۰ برنامه، موسیقی ملی با ۱۲۱۰ برنامه، کُر با ۴۳ برنامه، رقصهای محلی با ۳۵ برنامه، گروههای محلی با ۹۵۵ برنامه، باله با ۱۳۵ برنامه، تئاتر با ۳۰۰ برنامه، گروههای نقالی با ۴۲ برنامه. در ایران ۹ جشنواره هنری برگزار می‌شود - ۷ جشنواره در تهران و ۲ جشنواره در شیراز.

در برنامه پنجم هدف این است که گروههای موسیقی و تئاتر تکمیل شوند و ۳۰ مرکز جدید ایجاد گردد. از این گذشته برنامه پنجم می‌خواهد ۱۲ خانه فرهنگ شهری با تالار نمایشی در مراکز استانها به وجود آورد. در حال حاضر چند خانه فرهنگ شهری در ایران وجود دارد. فکر تشکیل این خانهها در اصل از فرانسه گرفته شد و پس از مطالعاتی در شورای عالی فرهنگ و هنر ایجاد این خانهها توصیه گردید. لیکن در سالهای گذشته این خانهها نتوانستند موقعیت خاصی از نظر فرهنگی و اجتماعی به دست آورند. با این که شهرستانهای ایران مراکز تجمع ندارند باید در مورد نقش و هدف چنین خانههایی دقت بیشتری به عمل آید. هم‌اکنون در تمام ایران تنها ۱۳ تئاتر وجود دارد. تهران ۱۰ تئاتر و شهرستانها ۳ تئاتر دارند. به هر حال مسلم است که بسیاری از شهرستانهای ایران حتی یک تالار نمایش ندارند، و ایجاد چنین امکاناتی چه از طریق خانه فرهنگ و چه جداگانه سودمند خواهد بود. همزمان با ایجاد خانههای فرهنگ در شهرها تعداد بالنسبه زیادی «خانه فرهنگ روستایی» در روستاها ایجاد شده که خود برسگشتگی‌ها افزود. هم‌اکنون در استان مرکزی ۸۳ خانه فرهنگ روستایی و در سایر استانها ۹۱۷ خانه وجود دارد. بسیاری از این خانهها تنها یک ساختمان هستند و نقش مؤثری به عهده ندارند. مسئولیت اداره این خانهها به عهده وزارت تعاون

و امور روستاهاست. فرض بر این است که در این خانهها روستائیان امکانات فرهنگی بیابند.

ب - امور سینمایی

تولید فیلم در ایران به طور کلی به وسیله اداره امور سینمایی وزارت فرهنگ و هنر، سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران و بخش خصوصی صورت می‌گیرد. مسائل مربوط به رادیو تلویزیون در بخش مربوط به خود مطرح می‌شود. اداره امور سینمایی در مدت برنامه چهارم ۲۲۶ فیلم مستند آموزشی، فرهنگی و هنری و ۲ فیلم داستانی و ۲ فیلم برای روستاها و ۲۳۷ فیلم کوتاه از فعالیتهای عمرانی بر روی هم در ۲۶ هزار نسخه تهیه کرده است. در برنامه پنجم قرار است این اداره به «پیشرفت و اعتلای سطح فنی و هنری فیلم‌های ایرانی» با استفاده از امکانات فنی و مالی کمک کند.

بخش خصوصی در ایران در سالهای ۵۱ - ۱۳۴۷ به شرح جدول زیر فیلم تهیه کرده است:

۱۳۴۷	۱۳۴۸	۱۳۴۹	۱۳۵۰	۱۳۵۱
۶۱	۶۳	۶۳	۷۵	۹۰

تعداد فیلم تولید شده که پروانه نمایش گرفته

این افزایش آماری ضمناً نشان دهنده توسعه‌ایست که فیلم فارسی به عنوان یک صنعت پیدا می‌کند. البته باید دانست که علاوه بر فیلم فارسی تعداد زیادی فیلم‌های خارجی در سینماهای ایران نمایش داده می‌شود. در جدول ۹ فیلم‌های کشورهای مختلف را که در سال ۱۳۵۱ پروانه نمایش گرفته‌اند به تفکیک کشور ملاحظه می‌کنیم.

جدول ۹

کشور	شمار	درصد
آمریکا	۱۳۵	۳۵/۶۲
ایران	۹۰	۲۳/۷۵
ایتالیا	۶۵	۱۷/۱۵

در همین سال ۳۰۰۲۷ عنوان منتشر شد - در مقابل ۳۶۳۲ عنوان در ایران در سال ۱۹۷۲ .

۵/۵۴	۲۱	فرانسه
۵/۲۸	۲۰	انگلستان
۳/۴۳	۱۳	هندوستان
۲/۶۴	۱۰	شوروی
۱/۰۵	۴	ترکیه
۰/۷۹	۳	ژاپن
۰/۵۳	۲	هنگ کنگ
۲/۹۰	۱۱	محصول مشترک
۱/۳۲	۵	کشورهای دیگر
۱۰۰	۳۷۹	جمع

۴ - ایجاد تسهیلات برای آفرینش ادبی و هنری

در این قسمت، برنامه ریز قصد دارد از طریق تأمین رفاه هنرمندان و نویسندگان و پژوهندگان به «گامی بلند در زمینه ابداع و نوآوری فکری و هنری در اجتماع ایران امروز» برسد. «شکوفاشدن فرهنگ و هنر از راه فراهم آوردن امکانات کافی برای هنرمندان و نویسندگان و پژوهندگان و نیز ایجاد زمینه مساعد جهت بروز استعدادها و آفرینش فرهنگی و هنری انجام پذیر است» (ص ۷۴۷). بدون تردید «ایجاد زمینه مساعد» امری مهم در شکوفائی استعدادهاست ولی نمی توان از طریق رفاه، «به گامی بلند در زمینه ابداع» دست یافت. هنرمندان و نویسندگان باید مانند دیگر مردم از رفاه و بیمه اجتماعی و بهبود زندگی برخوردار باشند. توجه به این امر در برنامه پنجم درست است ولی نباید انتظار داشت که این وسایل الزاماً به ارتقاء سطح آفرینش هنری و فرهنگی بیانجامد.

دور زمینه رفاه قرار است برای هنرمندان و نویسندگان «شرکت تعاونی مسکن، تأمین بهداشت و بیمه نویسندگان و هنرمندان، فراهم آوردن تسهیلات حرفه ای، تأمین زندگانی نویسندگان و هنرمندان ممتازی که به سنین کهنولت می رسند، خرید آثار ارزنده هنری برای موزه ها و سازمان های دولتی»، در نظر گرفته شود. و برای بالا بردن «کیفیت کار هنرمندان و نویسندگان و پژوهندگان و ایجاد بازار کار» انجمن باشگاه های ادبی و هنری و همچنین یک گالری بزرگ دولتی ایجاد خواهد شد و به تأسیس گالری های خصوصی نیز کمک می شود. مطابق برنامه قرار است «در سدی از هزینه های ساختمانهای دولتی به امور هنری» اختصاص پیدا کند - همانطور که در فرانسه عمل می شده است.

۵ - فرهنگ ایرانی در رابطه با فرهنگ های دیگر

در این بخش به توسعه نفوذ زبان فارسی و ایجاد همستگی

سینما رفتن یکی از تفریحات اساسی مردم شهرها در ایران است. در مجموع ۴۳۷ سینما در ایران وجود دارد. تهران ۱۱۹ سینما و شهرستانها ۳۱۸ سینما دارند. با توجه به برآورد جمعیت ایران در سال ۱۳۵۱ در ایران برای هر هزار نفر تنها ۱۰/۱ صندلی سینما وجود دارد، در حالی که در فرانسه در سال ۱۹۶۷ برای هر هزار نفر ۴۹ صندلی سینما و در ژاپن در سال ۱۹۶۸ برای هر هزار نفر ۱۷ صندلی سینما وجود داشته است.

پ - نگارش

اداره نگارش در طول برنامه چهارم ۱۰۷ جلد کتاب تهیه و تألیف و منتشر کرده است. همچنین چاپ ۱۱ نوع مجله و اهدای ۱۳۰۰۰۰۰ جلد کتاب به اماکن مختلف از جمله فعالیتهای این دستگاه بوده است. در برنامه پنجم توسعه این فعالیتها، به ویژه تهیه کتب ساده نویسی شده برای نوسوادان و نوجوانان و فرستادن کتاب به کتابخانه های مدارس، منظور شده است. چاپ کتاب در ایران دارای مسائل گونه گونی است که خود نیاز به بررسی جداگانه ای دارد. در اینجا ما تنها به تعداد کتب منتشر شده در ایران اشاره ای می کنیم. مطابق گزارش کتابخانه ملی ۲۲۲۹ عنوان کتاب در سال ۱۳۵۱ در ایران منتشر شده است. در این رقم کتب دانشگاهی و دولتی که اجازه انتشار نمی گیرند منظور شده است. مطابق یک بررسی جداگانه ۳۶۳۲ عنوان کتاب در ایران منتشر شده است که از این تعداد ۴۲۷ عنوان در شهرستانهای ایران به چاپ رسیده است. مطابق همین بررسی تیراژ کتاب در ایران ۱۰۸۸۰۰۰۰ بوده است.

در سال ۱۹۶۷ در فرانسه ۱۹۰۲۱ عنوان کتاب و در ژاپن

با کشورهای که در میراث فرهنگی ایران اشتراك دارند توجه شده و لزوم تماس مداوم با دست‌اندازان فرهنگ و هنر ایران در خارج یادآوری شده است .

جدول ۱۰ - ارزش کالاهای فرهنگی وارداتی به تفکیک

قاره در سال ۱۳۵۱

درصد	ارزش به ریال	قاره
۵۲/۲۹	۵۰۹۲۱۲۳۶۳	آسیا
۳۶/۹۶	۳۵۹۹۱۷۲۱۰	اروپا
۱۰/۵۸	۱۰۳۰۱۶۵۲۱	آمریکا
۰/۰۴	۴۳۴۷۸۳	افریقا
۰/۱۳	۱۲۵۷۲۳۵	اقیانوسیه
۱۰۰	۹۷۳۸۲۸۱۱۲	جمع

در برنامه چهارم عمرانی ایجاد مؤسسات و انجمن‌های فرهنگی در کشورهای همجوار مورد نظر بود و در این راه تعدادی خانه فرهنگ در آکرا ، پیشاور ، راولپندی ، حیدرآباد سند و آنکارا و همچنین يك رایتی فرهنگی در پاریس به وجود آمد . همانطور که ملاحظه می‌شود ، هدف برنامه هم بوده ، تمرکز فعالیت در کشورهای حوزه آ. ر. سی. است . ایجاد کرسی‌های زبان فارسی در دانشگاه‌های خارج و اعزام محصل به خارج برای آموزش در رشته‌های هنری از دیگر فعالیت‌های این بخش بوده است .

جدول ۱۱ - ارزش واردات کالاهای فرهنگی در سال ۱۳۵۱

به تفکیک نوع کالا

درصد	ارزش به ریال	انواع کالاهای
۲۶/۳۸	۳۵۶۹۱۸۶۲۹	ضبط صوت
۱۹/۶۶	۱۹۱۴۶۰۲۳۹	فیلم ظاهر شده صدادار
۱۶/۴۴	۱۶۰۰۴۲۱۹۷	فیلم عکاسی برای مصارف غیر از مواد رادیولوژی
۱۳/۲۴	۱۲۸۸۹۶۵۲۷	فیلم سینماتوگرافی حساس بدون عکس و چاپ
۸/۰۸	۷۸۶۸۶۸۳۴	نوار ضبط صوت پیرشده
۳/۷۴	۳۶۳۹۵۰۰۱	فیلم عکاسی از شیشه و فلز
۳/۰۵	۲۹۷۳۷۱۷۸	کتاب چاپی ازرقبیل
۲/۹۴	۲۸۶۷۵۰۱۶	پیانو
۱/۲۰	۱۱۶۳۸۹۹۵	گرامافون
۰/۹۹	۹۶۳۳۸۸۷	تلویزیون
۰/۸۵	۸۲۶۳۳۴۳	رادیو
۰/۸۲	۸۰۲۲۱۴۶	ارگ
۲/۶۱	۳۵۵۵۷۱۲۰	ویقیه
۱۰۰	۹۷۳۸۲۸۱۱۲	جمع کل

در برنامه پنجم هدف این بخش «بزرگداشت پایگاه معنوی و هویت و شخصیت ملی ایران در خارج از کشور از راه معرفی فرهنگ و هنر ایران» است . برای نیل به این مقصود برنامه پنجم «توسعه و تقویت زبان و ادبیات فارسی در کشورهای همجوار» را پیش‌بینی کرده است . همچنین «برقراری و توسعه روابط فرهنگی با کشورهای که با ایران علاقه دیرینه مودت‌انگیز فرهنگی یا اشتراك در میراث فرهنگی» دارند ، از وسایل رسیدن به هدف پیش‌بینی شده بالاست .

در مورد روابط فرهنگی ایران با کشورهای دیگر به ایجاد خانه‌های فرهنگ و انجمن زبان فارسی کفایت شده است . درجهانی که سیل کالاهای و برنامه‌ها و افکار به طرف کشورهای که قدرت جهانی نیستند سرازیر شده و مانع‌واره‌ها مسائل جدیدی را طرح کرده‌اند ، نگرشی وسیع‌تر در این حوزه ضرورت دارد .

گذشته از برنامه‌های تلویزیونی و فیلم‌های وارداتی که ما هنوز مصرف‌کننده خارج هستیم ، در زمینه کالاهای فرهنگی معینی نیز رابطه به همین وضع است .

از این گذشته مسائل مربوط به رابطه با یونسکو و موقعیت فرهنگ ایرانی در رابطه با فرهنگ‌های صادراتی باید اهمیت بسزایی پیدا کند .

در جدول بعدی ، ۱۲ و ۱۳ ، ارزش کالاهای صادراتی و نوع کالاهای صادراتی در سال ۱۳۵۱ را نشان می‌دهد .

در دو جدول ۱۰ و ۱۱ ارزش کالاهای فرهنگی وارداتی به تفکیک قاره و کالا در سال ۱۳۵۱ نمایش داده می‌شود .

جدول ۱۲ - ارزش صادرات کالاهای فرهنگی به تفکیک
 قاره در سال ۱۳۵۱

قاره	ارزش به ریال	درصد
آسیا	۳۴۹۰۵۸۷	۶۹/۲۷
اروپا	۱۴۲۹۵۸۴	۲۸/۶۱
امریکا	۱۰۵۸۴۴	۲/۱۲
جمع	۴۹۹۶۰۱۵	۱۰۰

جدول ۱۳ - ارزش صادرات کالاهای فرهنگی در سال ۱۳۵۱
 به تفکیک کالا

اسامی کالاها	ارزش به ریال	درصد
اشیاء برای مجموعه‌های معماری و تاریخی	۲۰۳۵۳۴۲	۴۰/۷۴
کتاب چاپی	۱۴۱۳۷۳۰	۲۸/۳۰
تلویزیون	۸۳۰۹۴۹	۱۶/۶۳
رادیو	۳۶۷۸۳۲	۷/۳۶
تابلو نقاشی و رسم با قاب	۱۹۴۷۰۱	۳/۹۰
صفحه‌گرافا فون پر شده آموزش مجسمه نیم تنه تراش گور یا برجسته	۸۷۱۲۰	۱/۷۴
سایر آلات موسیقی تاردار	۵۶۸۲۰	۱/۱۴
جمع	۹۵۲۱	۰/۱۹
	۴۹۹۶۰۱۵	۱۰۰

وضعیت
 وسائل ارتباط جمعی
 (رادیو و تلویزیون)

با آنکه نقش فرهنگی رادیو و تلویزیون بر هیچکس پوشیده نیست، این وسایل در قسمت دیگری جز قسمت فرهنگ برنامه پنجم مطرح شده‌اند. رادیو و تلویزیون در برنامه پنجم در قسمت مخابرات (تلفن، تلگراف، مدارهای مخابراتی)

آمده‌اند و از دید فنی به آنها برخورد شده‌است. در اینجا باید افزود که به ویژه شبکه تلویزیون در طول برنامه چهارم گسترش قابل توجهی داشته است. در پایان برنامه چهارم عمرانی، شبکه تلویزیون ۵۰٪ از جمعیت کشور را پوشاند. (عملاً بیست درصد از جمعیت زیر پوشش شبکه می‌توانند از برنامه‌های تلویزیونی استفاده کنند، علت این امر درکی از زیرساختها، گرانی قیمت تلویزیون ذکر شده که نبود شبکه وسیع برق را نیز باید به آن افزود). در طول برنامه پنجم، گسترش پوشش برنامه اول تلویزیون از ۵۰٪ به ۶۰٪ جمعیت می‌رسد بر اساس پیش‌بینی‌هایی که انجام گرفته پوشش برنامه اول تا آخر برنامه هشتم عمرانی کشور به ۱۰۰٪ خواهد رسید. پوشش برنامه دوم تلویزیون در پایان برنامه چهارم به حدود ۱۰٪ رسید و پیش‌بینی می‌شود که در مدت برنامه پنجم ۴۰٪ از جمعیت کشور را دربرگیرد.

پیش‌بینی می‌شود قدرت پوشندگی برنامه دوم در بیست سال آینده به ۱۰۰٪ برسد.

گسترش شبکه اول رادیو در طول برنامه پنجم ۱۰۰٪ جمعیت کشور را دربر خواهد گرفت. در پایان برنامه چهارم پوشش شبکه اول ۷۵/۴۵٪ بوده است. برنامه دوم رادیو دارای پوششی برابر ۵۰٪ از جمعیت کشور خواهد بود که بطور پیش‌بینی‌ها در بیست سال آینده به ۱۰۰٪ خواهد رسید. در پایان برنامه چهارم پوشش برنامه دوم ۱۲/۵٪ بوده‌است. در مدت پنجسال برنامه عمرانی چهارم تعداد ساعات پخش برنامه از تلویزیون ایران (برنامه اول و دوم) به این ترتیب است:

تعداد ساعات	۱۳۴۷	۱۳۴۸	۱۳۴۹	۱۳۵۰	۱۳۵۱
۵۸۳۲					
۵۱۲۷					
۴۹۰۹					
۴۹۲۷					
۵۰۹۱					

در سال ۱۳۵۱ در حدود ۳۸٪ از برنامه‌های تلویزیون را برنامه‌های خارجی تشکیل دادند و تقریباً ۵۲٪ از برنامه‌ها در داخل ایران تهیه شده است.

در همین سال ترکیب برنامه‌هایی که در داخل تهیه شده‌اند چنین بوده است:

تهران و دیگر شهرها به این شرح است :

بیشتر از	سه	دو	یک	تهران
سه دستگاه	سه دستگاه	دو دستگاه	یک دستگاه	تهران
۴/۵	۸/۴	۲۶	۶۰	تهران
۴/۶	۸/۵	۲۶	۶۰	ده شهر دیگر

به این ترتیب می بینیم که تهران با دیگر شهرهای مورد بررسی از نظر تعداد دستگاه رادیو فرقی ندارد. تعداد خانوارهایی که گیرنده تلویزیون دارند مطابق بررسیهایی که درش شهر ایران انجام شده، به تفکیک این شهرها، چنین است :

شهر	خانوارهای تلویزیون دار
آبادان	۸۲٪
رشت	۵۶٪
رفناویه	۵۶٪
بندر پیلوی	۵۴٪
اصفهان	۴۵٪
تهران	۴۵٪
شیراز	۴۳٪

به طور کلی تعداد دستگاه های تلویزیون درایران در حدود یک میلیون برآورد می شود. روشن است که این تعداد به طور عمده متعلق به شهرستان هاست. تعداد رادیوی موجود به مراتب بیشتر از تلویزیون است و ۶ میلیون دستگاه برآورد می شود. تولید رادیو و تلویزیون در ایران را طی سالهای ۵۱ - ۱۳۴۷ در زیر می بینیم :

نوع دستگاه	۱۳۴۷	۱۳۴۸	۱۳۴۹	۱۳۵۰	۱۳۵۱
رادیو	۱۲۴۷۸۶	۱۷۶۷۸۹	۱۳۷۲۲۰	۱۳۴۰۰۰	۲۰۷۰۷۳
تلویزیون	۵۷۶۷۵	۶۵۸۶۶	۱۲۵۰۰۰	۱۵۰۰۰۰	۱۸۴۹۷۵

هنری، فرهنگی، آموزشی	۴۵٪
سرگرم کننده	۳۱٪
سریالیهای خبری	۹٪
مذهبی	۵٪
آگهی	۳۷٪
برنامه های فوق العاده و گوناگون	۱۰٪

تعداد کل ساعات پخش برنامه از همه فرستنده های رادیو در سال ۱۳۵۱ در ایران ۱۱۴۷۷۵ ساعت بوده است که ترکیب برنامه های آن بدین شرح است :

نام برنامه	تعداد ساعات پخش	درصد به کل ساعات
موسیقی (ایرانی، خارجی، محلی)	۳۹۱۰۴	۳۴
اخبار و تفسیر	۱۷۹۷۰	۱۶
گفتار و سخنرانی (ادبی، علمی، اجتماعی، مذهبی)	۱۶۱۲۶	۱۴
برنامه محلی	۷۱۱۵	۶
نمایشنامه	۴۷۶۸	۴
برنامه های مختلف	۲۹۶۹۲	۲۶

بر اساس بررسیهایی که در ده شهر انجام گرفته ۸۹٪ از خانوارهای این شهرها صاحب رادیو هستند؛ در تهران بیش از ۹۳٪ از خانوارها در منزل خود رادیو دارند. مطابق همین بررسیها میانگین تعداد دستگاه رادیو در خانوارهای

به تقریب می‌توان گفت اگر سالانه در حدود دویست هزار دستگاه تلویزیون در بیست سال آینده تولید شود در ایران چهار میلیون دستگاه تلویزیون بر تعداد فعلی افزوده خواهد شد. لیکن با توجه به نفوذ روزافزون تلویزیون، می‌توان تخمین زد که تعداد تلویزیون موجود در ایران در بیست سال آینده به مراتب بیش از این خواهد بود. بنابر محاسباتی که شده احتمالاً در آن موقع ۱۰ میلیون خانوار در ایران زندگی خواهند کرد. با توجه به این که بعضی خانوارها بیش از یک دستگاه تلویزیون خواهند داشت می‌توان حدس زد که تعداد دستگاههای تلویزیون حداقل رقمی معادل تعداد خانوارها یعنی ۱۰ میلیون دستگاه خواهد بود.

با توجه به تعداد موجود رادیو، اگر تولید آن را در سالهای آینده کمتر از تولید تلویزیون برآورد کنیم (با توجه به نفوذ روزافزون تلویزیون) - مثلاً سالانه معادل صد هزار دستگاه رادیو - (گرچه تولید رادیو در سال ۱۳۵۱ به طور چشمگیری نسبت به سال قبل آن یعنی ۱۳۵۰ افزایش یافت) می‌توان گفت که در بیست سال بعد ۸ میلیون دستگاه رادیو در ایران وجود خواهد داشت. البته می‌توان تخمین زد که با توجه به تعداد خانوارهای ایران در بیست سال آینده و این که معمولاً خانوارها بیش از یک دستگاه رادیو دارند تعداد رادیو در بیست سال بعد بیش از ده میلیون دستگاه خواهد بود. مطابق یک تحقیق جداگانه که من در مدونه روستای ایران انجام داده‌ام هم اکنون در حدود ۴۵٪ از خانوارهای روستائی ایران دارای رادیو هستند که خود نشان‌دهنده نفوذ رادیو در ایران است.

در قسمت مخابرات برنامه پنجم دربارهٔ رادیو و تلویزیون و مخابرات چنین آمده است:

« با توجه به هدفهای اساسی رادیو - تلویزیون و لزوم ایجاد تعادل بین فعالیتهای کمی و کیفی در برنامه پنجم، امکانات تجهیزاتی و ساختمانی برای ازدیاد ساعات تولید در سطح کشور افزایش خواهد یافت، تا هماهنگ با تجهیز نیروی انسانی متخصص و تقویت برنامه‌ریزی و مدیریت و همچنین توسعهٔ فعالیتهای آموزشی و تحقیقاتی بهره‌برداری مؤثر از تأسیسات شبکه امکان‌پذیر گردد.»

نکته قابل توجه این‌جاست که تمام برنامه فرهنگی و تمام سیاستهای اعلام شده فرهنگی که در قسمت فرهنگ و هنر آمده هیچکدام رادیو و تلویزیون را در بر نمی‌گیرند. البته در هدفهای مربوط به رادیو - تلویزیون در برنامه پنجم به طور گذرا آمده است: «... یا تولید و پخش برنامه‌های

مناسب ارتباط لازم را با گروههای مختلف مردم برقرار نماید و به هدفهای آموزشی، توسعه فرهنگ ملی، اجتماعی و هنری مورد نظر برسد.»

مطالب مربوط به رادیو و تلویزیون در قسمت مخابرات برنامه پنجم بیشتر مسائل فنی‌گسترش این دو وسیله مهم را در بر می‌گیرد و گوئی برنامه‌ریزی نیازی ندیده است که هدفهای غیر فنی را دقیقاً توضیح دهد، شاید به این حساب که هدفهای دیگر قسمتها و یا به طور کلی هدفهای برنامه پنجم الزاماً هدفهای رادیو و تلویزیون را تعیین می‌کند.

البته این استدلال دقیق نیست. رادیو و تلویزیون در عمده‌جا در اجرای هدفهای عمومی به ناچار باید هدفها و برنامه‌های خاصی نیز داشته باشند. البته در عمل همیشه هدفهای معینی دنبال می‌شود اما مسأله این است که هدفهای فرهنگی - اجتماعی رادیو و تلویزیون در برنامه پنجم دقیقاً نیامده و از این رو نمی‌توان از جنبه برنامه‌ریزی در این باره قضاوت کرد و ارزیابی به عمل آورد.

بودجه

فرهنگ

مجموع اعتباراتی که در برنامه سوم عمرانی کشور (۱۳۴۶ - ۱۳۴۷) به وزارت فرهنگ و هنر اختصاص یافت ۷۰۰ میلیون ریال از اعتبارات عمرانی و عمومی یا ۳۰/۰ درصد از کل بودجه عمرانی کشور بود.

مطالب جتانکه برآغاز گفته شد، وزارت فرهنگ و هنر پس از شروع برنامه سوم ایجاد شد و هنگام تهیه برنامه مورد نظر در میان نبود. در برنامه چهارم عمرانی (۱۳۵۱ - ۱۳۴۷) ابتدا ۱/۸ میلیارد ریال از بودجه عمرانی به فعالیتهای فرهنگ و هنر اختصاص یافت که در نهایت به علت تجدید نظرهایی که در برنامه به عمل آمد این اعتبار به ۱/۵ میلیارد ریال یا ۲۶٪ از کل بودجه عمرانی کشور کاهش یافت. از بودجه عمومی کشور ۲/۹ میلیارد ریال به فرهنگ و هنر اختصاص داده شد که با در نظر گرفتن ۱/۵ میلیارد ریال از اعتبارات عمرانی، کلاً ۴/۴ میلیارد ریال، ۷۶٪ از کل بودجه کشور، در طول پنج سال برنامه چهارم به وزارت فرهنگ و هنر داده شد. در برنامه عمرانی پنجم کشور کل اعتبارات فرهنگ و هنر ۱۵/۹ میلیون ریال یا ۲/۰۲ درصد از کل بودجه کشور است.

در اینجا باید اضافه کرد که سازمانهای دیگری نیز در زمینه فرهنگ فعالیت می کنند که بودجه آنها در چارچوب بودجه وزارت فرهنگ و هنر منظور نمی شود. در جدول ۱۵ بودجه سازمانهای مهم فرهنگی کشور را در سالهای ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱ می آوریم. وزارت فرهنگ و هنر و سازمانهای بسته به آن نیز در این جدول منظور شده اند.

جدول ۱۴ - اعتبارات اختصاص یافته به فرهنگ و هنر در طول سه برنامه

برنامه عمرانی	واحد پول	کل بودجه عمرانی کشور به میلیارد ریال	شاخص اعتبارات فرهنگ و هنر واحد میلیون ریال	شاخص نسبت اعتبارات فرهنگ و هنر به کل بودجه ۳ درصد
سوم	ریال	۲۳۰	۷۰۰	۰/۳۰
چهارم	ریال	۵۷۷	۴/۴۰۰	۰/۷۶
پنجم	ریال	۱۵۶۰	۱۵/۹۰۰	۱/۰۲

جدول ۱۵ - بودجه سازمانهای مهم فرهنگی طی برنامه چهارم

ارقام به هزار ریال	۱۳۵۱	۱۳۵۰	۱۳۴۹	۱۳۴۸	۱۳۴۷	سازمان
	برآورد هزینه	برآورد هزینه	هزینه قطعی	هزینه قطعی	هزینه قطعی	
	۱۰۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰	۴۵۰۰	کتابخانه پهلوی
	۲۸۰۰۰	۲۰۰۰۰	۲۰۰۰	-	-	بنیاد شاهنشاهی فرهنگستانهای ایران
	۱۱۷۶۸۳	۹۳۰۰۰	۶۳۰۰۰	۵۰۰۰۰	۵۰۰۰۰	تالار رودکی
	۶۸۴۹۰۹	۵۹۷۹۱۸	۵۳۹۱۸۴	۵۰۳۶۷۵	۴۳۱۲۹۳	وزارت فرهنگ و هنر
	*	۳۵۵۵۴۷	۳۲۳۵۰۵	۲۳۴۸۴۸	۱۹۷۹۸۲	وزارت اطلاعات (رادیو)
	*	۵۶۲۶۵۳	۳۴۵۰۰۰	۲۴۵۰۰۰	۲۴۵۰۰۰	تلویزیون ملی ایران
	۵۵۷۲۲	۳۰۰۰۰	۲۵۰۰۰	۲۵۰۰۰	۲۵۰۰۰	سازمان حفاظت آثار باستانی
	۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۰۰۰۰	انجمن آثار ملی
	۴۶۶۱۳	۳۶۱۸۰	۳۰۰۰۰	۵۰۰۰	۲۵۰۰	کتاب جوانان
	۱۰۰۰۰	**	-	-	-	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	**	-	-	بنیاد فرهنگ ایران
	۱۲۱۰۸۶۴	-	-	-	-	سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران

* به علت جدا شدن قسمت رادیو از وزارت اطلاعات و ادغام آن با سازمان تلویزیون ملی ایران این قسمت حذف و در قسمت سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران منظور شد.

** ارقام در دست نیست.

با توجه به در دست نبودن ارقام دقیق دربارهٔ مجموع اعتبارات فرهنگی به دشواری می‌توان دربارهٔ کل اعتبارات فرهنگی دستگاههای فعال در زمینهٔ فرهنگ سخن گفت. به ویژه، از نظر حسابداری فرهنگی نمی‌توان مجموع اعتباراتی را که به بخش رادیو و تلویزیون اختصاص می‌یابد در شمار اعتبارات فرهنگی به حساب آورد، چه رادیو تلویزیون منحصر آ جنبهٔ فرهنگی ندارند. با در نظر گرفتن فقدان آمار وثیود نظام جامع در مورد هزینه‌های فرهنگی به ناچار باید به همان ارقامی که در بالا اشاره شد اکتفا کرد. در اینجا لازم است اضافه کرد که گرچه اعتبارات اختصاص یافته به وزارت فرهنگ و هنر در مدت برنامه‌های مختلف فزونی گرفته ولی نسبت این اعتبارات به کل بودجهٔ مملکتی رشد مشابه را نداشته و در حدود یک درصد از کل بودجه باقی مانده است.

ارگانهای برنامه‌ریزی در زمینهٔ فرهنگ

بنابه قانون، شورای عالی فرهنگ و هنر مسئولیت هماهنگ کردن طرحها و برنامه‌ها و اقدامات فرهنگی و هنری را به عهده دارد. باید در نظر داشت که سازمانهای گوناگونی که در امر فرهنگ فعالیت دارند، باید با هم هماهنگی داشته باشند تا بتوانند به گشتن از بعضی از اختیارات خود نیستند و آسان نمی‌پذیرند که در شورای دربارهٔ مسائل و فعالیتهای آنها نوعی نظارت به عمل آید. همین امر موجب شده است که شورای نتواند به مسائل مشخص بپردازد، سازمانهای مختلف را در برنامه و عمل متفق سازد و از بسیاری دوباره کاریها جلوگیری کند. ارگان دیگر برنامه‌ریزی فرهنگی مدیریت فرهنگ و هنر، سازمان برنامه است. این ارگان مسئولیت تهیه و تنظیم برنامهٔ فرهنگ را بر اساس پیشنهادها، خواستها و سیاستهای سازمانهای فرهنگی و جای دادن آنها در چارچوب امکانات اعتبارات مربوط به فرهنگ عهده‌دار است. این پیشنهادها و خواستها و سیاستها در دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و هنر بر اساس برنامه‌های واحدهای تابع این وزارتخانه تنظیم می‌گردد. دفتر یادشده عملاً در اواخر

برنامهٔ چهارم به کار افتاد و در تنظیم برنامهٔ پنجم فرهنگ دست داشت. پس از تنظیم گزارش مربوط به برنامه‌های پنجسالهٔ فرهنگی در این ارگانها، گزارش به معاونت برنامه‌ریزی سازمان برنامه و بودجه می‌رود و در آنجا مرحلهٔ ماقبل نهائی را طی می‌کند و در چارچوب برنامهٔ کلی عمرانی کشور جای داده می‌شود. از این مرحله به بعد تا عرضهٔ برنامه به مجلس شورای ملی برای تصویب و صورت قانونی یافتن، مراحلی قرار دارند که در آنها بیشتر از نظر سیاسی به کل برنامه نظر می‌افکنند و تصمیمات نهائی را اتخاذ می‌کنند.

برنامه‌های مربوط به دیگر سازمانهای فرهنگی نیز همین مراحل را طی می‌کنند منتھی غالباً از طریق دیگر مدیریتهای سازمان برنامه، چون مخبرات یا رفاه اجتماعی، عرضه می‌شوند نه از طریق مدیریت فرهنگ و هنر، و این خود نشانه‌ای است از هماهنگ بودن کار برنامه‌ریزی فرهنگی حتی در بالاترین ارگان برنامه‌ریزی. البته فرض بر اینست که در سطح معاونت برنامه‌ریزی میان کلیه برنامه‌ها هماهنگی به وجود می‌آید، لیکن چنین چیزی در عمل به وقوع نمی‌پیوندد. برنامه‌ریزی رادیو و تلویزیون در سازمان برنامه در مدیریت مخبرات صورت می‌گیرد و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و برخی دیگر از سازمانهای فرهنگی از اعتبارات دولتی در قسمتهائی جز مدیریت فرهنگ و هنر سازمان برنامه و بودجه استفاده می‌کنند. اهمیت سازمان رادیو - تلویزیون فقط در کارهای مربوط به رادیو و تلویزیون و نقوذ آنها نیست، بلکه همچنین در فعالیتهای گوناگونی است که این سازمان زیر عنوان فعالیتهای جنبی انجام می‌دهد. این فعالیتهای هم‌اکنون شعاع عمل قابل توجهی یافته‌اند. سازمان رادیو - تلویزیون ملی ایران اکنون رسالت خود را فقط منحصر به رادیو و تلویزیون نمی‌داند. این سازمان رسالتی فراتر از این برای خود قائل است و می‌خواهد به عنوان یک سازمان جامع در زمینهٔ فرهنگ و هنر عمل کند - هر چند باید گفت که تاکنون سازمان رادیو تلویزیون به سبب طبیعت و نیازکار خود بیشتر به مسائل هنری پرداخته‌است. مسائل فرهنگی، به ویژه مسائل مربوط به پژوهشهای باستانشناسی، حفاظت آثار باستانی و تحقیقات زبانشناسی، پژوهش در زمینهٔ فرهنگ امروز و یا انتشار کتاب و جز آن، زمینه‌هایی بوده‌اند که تاکنون فقط در کانون توجه وزارت فرهنگ و هنر قرار داشته‌اند.

با توجه به وضع یاد شده باید گفت که برنامه‌ریزی

فرهنگی در ایران نمی‌تواند آسان به هماهنگی کامل دست یابد، هرچند که ضرورت یک چنین هماهنگی، یا شکل آن، در این مرحله خود می‌تواند مورد بحث باشد.

برنامه‌ریزی

فرهنگ مرحله گذار

یکی از مشکلات برنامه‌ریزی فرهنگ در ایران این است که هنوز نتوانسته است هدف مشخصی برای خود تعیین کند. منظور از «هدف مشخص» این نیست که نکات مشخص دیگری بر همین برنامه فعلی افزوده شود که به میزان اعتبارات و احتمالاً اندکی فکریستیگی دارد. همانطور که در برنامه پنجم دیدیم برنامه‌ریزی می‌خواهد به همه چیز دست پیدا کند و همه چیز را ممکن سازد. زمینه نظری برنامه پنجم فرهنگ در ارتباط منطقی با زمینه اجرائی آن نیست. چه اعتبار اندکی که به فرهنگ و هنر اختصاص داده شده است نمی‌تواند متناسبی برای تحقق بخشیدن به هدفهای عنوان شده باشد. از این گذشته فرهنگ، مطابق همین برنامه، یکی از ابعاد توسعه عمومی است و از عوامل اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی بشمار آمده است؛ در حالی که چنین نظرگاهی در مجموع برنامه پنجم انعکاس نمی‌یابد و این خود نشانه ناهماهنگی بودن فصول برنامه با کل آن است. مسائلی چون نقش دولت در زمینه فرهنگ، گسترش فعالیتهای محلی، زمینه عرضه تولیدات فرهنگی و هنری، نقش شهر تهران در مجموع فعالیتهای فرهنگی، و . . . یا در برنامه جایی یافته‌اند یا به طور گسترده آنها اشاره‌ای شده است. مثلاً با این که تأکید شده فرهنگ باید در روستاها حضور یابد، معلوم نمی‌شود که به چه وسیله می‌توان این حضور را تأمین کرد. آیا لازم نیست برنامه‌ریز در مورد میزان اشاعه و دامنه اشاعه فرهنگ که مورد توجه اوست، نظر دقیقتری بیان کند؟ با توجه به وسعت سرزمین و رانندگی روستاها و امکانات اندک می‌توان گفت که در برنامه پنجم چنین هدفی به مقیاس وسیع نمی‌تواند جامه عمل پوشد. ضمناً رابطه شهر و روستا از نظر فرهنگی نیز روشن می‌شود. هنوز بسیاری از شهرهای ایران از حداقل امکانات فرهنگی برخوردار نیستند. در مورد این شهرها چه سیاستی باید در پیش گرفت؟ برنامه فرهنگ نظر روشنی درباره

فعالتهای منطقه‌ای و چگونگی انجام این فعالیتهای و همچنین ابزار لازم برای ایجاد عدم تمرکز در فعالیتهای فرهنگی ندارد. تنها یک جا صحبت از ایجاد شوراهای استانی فرهنگ و هنر می‌کند، بدون آن که زمینه نظری آن را توضیح، یا اعتباری به آن اختصاص دهد. تازه مطابق قانون شورای عالی فرهنگ و هنر نقش این شوراها هماهنگ کردن فعالیتهای فرهنگی محلی است. ایجاد عدم تمرکز در فعالیتهای فرهنگی که از یک نظر دقیق و اصولی نشأت گرفته باشد دارای اهمیت بسزایی است. و چنین کاری، بدون تردید، تحول بزرگی در برنامه‌ها و فعالیتهای فعلی به وجود خواهد آورد. به همین خاطر نه تنها باید دقیقاً اندیشیده باشد بلکه باید نسبت به آن تعلق خاطر جدی وجود داشته باشد؛ نه آن که به عنوان فکری گذرا مطرح شود. هم‌اکنون نه تنها اکثریت قابل ملاحظه‌ای از سازمانها و فعالیتهای فرهنگی در تهران متمرکز شده است، بلکه تهران که خود تحت تأثیر بسیاری عوامل فرهنگی خارجی است فرهنگ خود را به عنوان فرهنگ ملی به همه نقاط کشور اشاعه می‌دهد و در این زمینه یک تاز و بی‌رقیب است. از تهران گذشته، دو سه شهر بزرگ ایران دارای امکانات و فعالیتهایی هستند. هر چند موقع شان به هیچ وجه با تهران قابل قیاس نیست ولی نسبت به دیگر شهرها یا نقاط روستایی در موقعیت بهتری قرار دارند. در مورد نقش دولت در زمینه فرهنگ، برنامه پنجم اشاره‌ای ندارد. معلوم نیست که دولت نقش حمایت‌کننده، ارشادکننده، تعیین‌کننده محتوای آثار فرهنگی، یا همه اینها را برای خود قائل است؟ اتخاذ سیاستی صریح و روشن در این باره دارای ضرورت فوق‌العاده‌ای است. درست است که دولت حتی به هنگام اتخاذ سیاستی حمایتی در زمینه فرهنگ می‌تواند با نوع حمایت خود به مسائل و زمینه‌های خاصی امکان بدهد و وسایل رشد و اشاعه این زمینه‌ها را فراهم آورد اما هیچ‌گاه نباید مانع رشد آزادانه زمینه‌های دیگر شود یا به داوری درباره محتوای آثار هنری و فرهنگی بپردازد. به هر حال، تعیین نقش دولت و حدود وظایف و سیاستهای آن باید به طور مداوم مورد بحث و گفتگوی آفرینندگان آثار هنری از یکسو و مردم از سوی دیگر قرار گیرد تا در هر مرحله مرز مطلوب مشخص گردد.

از طرف دیگر باید بدانیم که فرهنگ ایران در شرایط کنونی از آن غنا و باروری گذشته برخوردار نیست. فرهنگ ما در شرایط گذرا به سر می‌برد؛ به جستجوی هویت تازه است. هویتی شایسته این زمان و این زمانه. فرهنگ ما

فرهنگ و هنر در ایران

یادداشتی از هلسینکی

اوژن یونسکو

من در تجمع بین المللی یونسکو یا «کنفرانس بین الدول دربارهٔ سیاستهای فرهنگی در اروپا» حضور یافته‌ام. گفتگوها در حدود ده روز به طول انجامید. در آنجا صدها نماینده، کارمند و مقام اداری از همهٔ کشورها بودند؛ با جلسات عمومی و تخصصی، کمیسیون‌ها و سوکمیسیون‌ها و بازهم سوکمیسیون‌ها. جلسه می‌کردند و گزارش روی گزارش می‌نوشتند و کوهی از کاغذ بر روی هم می‌انباشتند. اما فرهنگ چیست؟ از آنجا که هیچ‌کس کوششی برای به دست دادن تعریفی از فرهنگ نمی‌کرد، گفتگوها بیشتر جنبهٔ هیجانی، متناقض و آشفته داشت.

هیگان تنها بزرگ چیز توافق داشتند و آن این بود که «فرهنگ» موضوعی است که پرداختن به آن تا اندازه‌ای دشوار، خطرناک، مشکوک، و بیشتر چند جهتی است، و باید هدایت شود و زیر نظارت درآید. در این باره تناهم وجود داشت که فرهنگ را دانشمندان و هنرمندان به وجود می‌آورند، به ویژه آدمهای معظون. گرچه کمابیش ممکن بود در مورد تعریف «دانشمند» به توافق رسید لیکن مشاهده شد که در مورد مفهوم هنرمند غیرممکن است به وحدت نظری دست یافت. اما در این مورد نیز تناهم وجود داشت (یا فکر می‌شد وجود دارد) که فرهنگ می‌تواند

هنوز مشخصه‌های خود را نیافته است تا در مجموع فرهنگ جهانی جای مناسب را بیابد.

بشرف روزافزون وسایل ارتباط جمعی و نزدیک شدن فرهنگها به یکدیگر و همچنین جهانگیر شدن فرهنگی که از تمدن صنعتی اروپا برخاسته است و ارزشهای خود را با شدت هرچه بیشتر به عنوان ارزشهای جهانی صادر و تحمیل می‌کند، فرهنگهای کهن را در مقابل وضع کاملاً جدیدی قرار داده است و آنها را بدون تردید دستخوش دگرگونی عمیقی کرده است. باز آمدن به خود و بپهرمندی از دست-آوردهای تمدن بشری، تفکر و تأمل دربارهٔ جامعه و بشر آینده از جمله مسائلی هستند که در دستور روز زندگی فرهنگی مردم ما قرار گرفته‌اند. برنامه‌ریزی فرهنگی باید در نهایت امر زمینهٔ مناسبی برای برخورد با این مسائل را به وجود آورد و به ایجاد فضای لازم برای خلاقیت فرهنگی و هنری مدد رساند. فرهنگی که از خلاقیت دور باشد نمی‌تواند از خود اثری به جا گذارد و سهمی در راه اعتلای فرهنگ بشری به عهده بگیرد. و نباید فراموش کرد که برنامه‌ریزی فرهنگی باید نقشی کمکی و زمینه‌ساز برای خود متصور شود. در این که فرهنگ را خود مردم و هنرمندان می‌سازند و غنی می‌کنند شک نکنیم.

اسفند ۱۳۵۲

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

*

منابعی که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته‌اند عبارتند از برنامه‌های عمرانی کشور، سیاست فرهنگی، آمارها و ارقام سازمانهای مربوط.

۱ - باید یادآور شد که در حال حاضر دروس هنری در سالیهای معینی تدریس می‌شود. برآورد بالا تنها یک فرض است به نسبت همهٔ دانش‌آموزان.